

عنوان مقاله:

مفهوم جبر و اختیار از دیدگاه مولانا با نیم نگاهی به فلسفه روان شناسی

محل انتشار:

کنگره بین المللی زبان و ادبیات (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسنده:

طیبه وطن دوست - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، ایران

خلاصه مقاله:

مسئله جبر و اختیار و تاثیر آن در سرنوشت انسان همواره یکی از موضوعات جنجال برانگیز در طول تاریخ بشریت بوده است. علما و دانشمندان علوم مختلف انسان پیرامون این موضوع نظریات و فرضیه های متفاوت و متعددی را ارائه کرده اند. ادبیات فارسی نیز در این زمینه آثار بسیار را در کارنامه ی خود دارد. یکی از آثاری که سرتاسر آن این مهم به خوبی مطرح شده است و به نوعی تکلیف انسان را مشخص می کند مثنوی مولانا است او هنگامی که به زندگی فردی اجتماعی انسان ها می نگرد، شخصیت بشر و تکامل انسان را بدون اختیار امکان پذیر نمی داند، و از سوی دیگر جبری را هم که تابع قوانین علی و معلولی باشد باطل و عامیانه می داند. اما به مقتضای آیه (و هو معکم اینما کنتم) که رابطه موجود را با سازنده نشان می دهد. جبر رابطه انسان با خدا (معیت) را به عنوان جبر عالی می پسندد و در علم روان شناسی نیز پذیرش عدم پذیرش جبر و اختیار در سرنوشت انسان تاثیر گذار است. و هر یک از دانشمندان این علم در مکاتب مختلف نظریاتی در رابطه با اراده و اختیار آدمی ارائه کرده اند از جمله در مکتب انسان گرایی که تحقق خویشتن و شکوفایی استعدادها و قابلیت های ذاتی بشر را تحت عنوان خود شکوفایی محور اساسی کار خود می داند انسان را موجودی مختار و صاحب اراده ی می شناسد. دیدگاه عرفانی مولانا در رابطه با جبر اختیار انسان تلفیقی از اراده خداوند و اراده انسان است که در کنار هم تعیین کننده سرنوشت انسان است. جبر از نظر گاه او همان مقام عرفانی معیت با خداوند و فنا شدن اراده بنده در اراده معبود است. و این همان مقوله ای است که روان شناسان معاصر از آن با عنوان خود شکوفایی و رسیدن به خویشتن حقیقی از آن یاد می کنند که قطعا در پرتو داشتن اختیار و اراده آزاد انسان تحقق می یابد. مقاله حاضر بر گرفته از گزارش پژوهشی نویسنده با عنوان معنا شناسی مفاهیم تربیتی مثنوی بانیم نگاهی به فلسفه، عرفان و روان شناسی است که به شیوهی کتابخانه ای و مصاحبه و همکاری اساتید روان شناسی تالیف گردیده و هدف از آن طرح مسئله جبر و اختیار از دیدگاه مولانا از یک سو و مقایسه ی کوتاه آن با نظریات روان شناسان اسلامی و مغرب زمین از سوی دیگر می باشد همچنین آشنایی نسل امروز جامعه با فرهنگ غنی ملی و مذهبی ایرانی در ادبیات فارسی، رسیدن به خودباوری با تکیه بر دستاوردها و اندیشه های گذشتگان و احیا به کارگیری این میراث عظیم در جامعه ی امروز و رهایی از انحرافات اخلاقی و معنوی از جمله اهداف این نوشتار است.

کلمات کلیدی:

جبر، اختیار، سرنوشت انسان، مولانا، روان شناسی، انسان گرایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/582389>

